

مبانی اجتماعی - فرهنگی طراحی اشیاء در دوران اولیه اسلامی*

(نمونه پژوهش : ظروف خانگی اول تا پنجم هجری ایران)

مهدیه پروین، پژوهشگر ارشد، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۶/۲۵

چکیده:

در این مقاله سعی بر آن است تا نشان داده شود که اگرچه در دوران اولیه اسلامی در ایران شاهد حرکت‌های متفاوتی هستیم اما این مهم است که آنها همگی با نام ایران برخاسته‌اند و شیوه زندگی یکسانی داشته‌اند. به هر حال به گفته استاد پیرنیا برای هر علتی لازم است تا گذشته‌های خود را به خاطر آورد زیرا گذشته‌ها روح ملیت آن را تقویت و وطن پرستی را در اعماق قلوب مردم تحریک می‌کند. شیوه زندگی امروزین ما حاصل سאלها زندگی تباکان ماست آنها فرهنگی را حاصل آورده‌اند که در زندگی فعلی نیز گریزی از آن نیست. پس آشنایی یا سیر تحول تاریخی اجتماعی بوجود آمدن این فرهنگ خالی از فایده نخواهد بود. همچنین تمدن به همد تغییرات کمی و کیفی ای احلاق می‌شود که در زندگی بشری حاصل شده و در عرصه حیات مشترک انسانهایی که با هم در ارتباطند مجال ظهور و بروز و ماندگاری و تحول یافته است. تمدن، به نسبت فرهنگ که جز خالص موجودیت گروه اجتماعی معینی را تشکیل می‌دهد، بر همه آثار و نشانه‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی راه یافته در زندگی تاریخی مردمی خاص و زمان و مکانی بالخصوص ایشمال می‌یابد. در این رابطه ایشیا و لوازمی که مردم در زندگی روزمره استفاده می‌نمایند اهمیت خاصی در تحقیق در زندگی و فرهنگ ایشان دارا می‌باشند و از بررسی آنها می‌توان به شیوه زندگی مردم دست یافت. در این تحقیق شاهد آن هستیم که شیوه زندگی و آداب و رسوم ایرانیان از سالها پیش تا کنون تغییر چندانی نکرده است و این خود حاکی از استحکام فرهنگی و تداوم تمدن با شکوه ایرانی است.

واژگان کلیدی:

فرون اولیه اسلامی، فرهنگ، آداب خوردن و آشامیدن، ظروف خانگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* این مقاله برگرفته از بخش: از مطالعات رساله دکتری پژوهش هنر با عنوان مبانی طراحی و شکل‌گیری کلیه در تمدن اسلامی به راهنمایی دکتر سیده میناآزادین و مشاوره دکتر محمد تقی کتوری و دکتر

سیدرضا برتقانی در دانشگاه هنر می‌باشد.

۱- دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه هنر

۲- دانشیار دانشکده هنر عالی، کاربردی، دانشگاه هنر

مقدمه

"تاریخ آیین گذشته و درس حال است و هیچ چیز مثل گذشته‌های ملتی افراد را با هم امتزاج نمی‌دهد. اگر ملتی دارای گذشته‌های مختلف شد حتماً به ملل کوچک تر تقسیم می‌شود. وحدت تاریخی برای هر ملتی یکی از محکم‌ترین و مطمئن‌ترین وثیقه‌های وحدت ملی است و باید آنرا حفظ کرد و بیوسنه به خاطر آورد نه فقط با کتاب بلکه با نمایش آن" (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۸۹). کشور ایران در حال حاضر کشوری اسلامی است. جمعیت مسلمانان جهان حدود یک ششم جمعیت کل جهان است و فرای در پایان کتاب عصر زرین فرهنگ ایران اشاره می‌کند که ایران تأثیر غیر قابل انکاری بر فرهنگ اسلامی داشته است. همچنین کریستین معتقد است "هنر اسلامی با برخورد یا تمین سائر ملل شکوفا شده است" (نصیری، ۱۳۸۶: ۳۱). این در حالی است که اغلب کتابهای هنری و فرهنگی در مورد ایران اسلامی متعلق به دوران شکوفایی و از زمان سلجوقیان به بعد است و کمتر به مبانی و خاستگاه این امر پرداخته می‌شود. بسیاری از اندیشمندان بر این اعتقادند که فرهنگ و باورهای پیشین ایرانیان در غنی سازی فرهنگ اسلامی ایشان نقش بسزایی داشته است. بازه زمانی در تحقیق در واقع حد فاصل و پل ارتباطی است میان شکوه امپراطوری ایران کهن و هویت مشخص فرهنگی ایران اسلامی پس از آن.

بررسی ساختارهای اجتماعی فرهنگی ایران در اوایل دوران اسلامی هدف این تحقیق می‌باشد یا توجه به اینکه در نشانه معنا شناسی یکی از عناصر بسیار مهم در ادراک نشانه، درک بافت و زمینه آنها می‌باشد، پس برای کنکاش در معنای نمادهای جلوه گر شده در طراحی آسیا باید فرهنگ جامعه هدف بررسی گردد. جهت بررسی مبانی فرهنگی در این مقاله از ۴ عنصر تحلیل فرهنگی شامل جامعه و نظام ارزش ها - رسانه (یا اشیایی که این نمادها را انتقال می‌دهند) - نمادها و مفاهیم - هنرمندان" (آسایرگر، ۱۳۷۹: ۱۷۳) به دو مورد جامعه و انبیا پرداخته می‌شود.

در این مقاله سعی بر آن است تا نشان داده شود که گرچه در دوران اولیه اسلامی در ایران شاهد حکومت‌های متقارن با نامهای متفاوتی هستیم اما این مهم است که آنها همگی با نام ایران برخاسته اند و شیوه زندگی یکسانی داشته اند. به هر حال "برای هر ملتی لازم است تا گذشته‌های خود را به خاطر آورد زیرا گذشته ها روح ملیت آن را تقویت و وطن پرستی را در اعماق قلوب مردم تحریک می‌کند. ما با داشتن گذشته‌های درخشان نیاید از سایرین از این حیث اینقدر عقب بمانیم" (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۸۸). "هر یک از ما در قالب فرهنگ خاصی که مجموعه ای از باورها و رفتارهاست به دنیا آمده ایم و رشد کرده ایم. این شبکه هنجارها و قواعد خود محصول دوره ممتدی از تغییرات تاریخی است که سنت نامیده می‌شود. فرهنگ و سنت شرایط گریز ناپذیری را به افراد تحمیل می‌کنند" (هورنر، ۱۳۸۱: ۲۰). پس از آنجا که شیوه زندگی امروزین ما حاصل سالیها زندگی نیاکان ماست که فرهنگی را حاصل آورده که در زندگی قبلی نیز گریزی از آن نیست. پس آشنایی با سیر تحول تاریخی اجتماعی بوجود آمدن این فرهنگ خالی از فایده نخواهد بود. قابل ذکر است منظور از لفظ ایران در این تحقیق محدوده جغرافیایی است که حکومت‌های معرفی شده در بازه زمانی اول تا پنجم هجری بر آن تسلط داشته اند. بررسی ساختارهای اجتماعی فرهنگی ایران تأثیر گذار بر طراحی ظروف خاکی در اوایل دوران اسلامی، هدف این بخش می‌باشد.

البته باید توجه داشت که مواردی از فرهنگ و تمین، به طور مستقیم بر طراحی ظروف خاکی تأثیر گذار است مورد نظر نباشد. مواردی چون وضعیت معیشت، انواع محصولات و شیوه‌های برد استفاده، انواع نوشیدنی ها و انواع غذا ها و به طور کلی آداب خوردن آشامیدن در بازه زمانی و مکانی تحقیق.

پیامدهای تاریخی - سیاسی دوران اولیه اسلامی

پس از رحلت پیامبر اکرم از زمان ابوبکر بود که نوبه یکی به سوی نواحی عراق و ایران و دیگری به سوی شام جهت اتنابین اسلام روانه شد. از بحثهای صرفاً تاریخی در این دوران و جنگی فتح ایران در این بحث می‌گذریم - علاقه مندان می‌توانند به کتابی تاریخی متعدد در این زمینه مراجعه فرمایند. همین بس که شروع ایام از سال ۱۳ هجرت یا واقعه جرس در منطقه خیره آغاز شد و پس از جنگ قادسیه در سال ۱۴ هجری و فتح مداین در سال ۱۶ هجری جنگ نهاوند در سال ۲۱ هجری، قسمتهای مختلف ایران با سردار بوموسی اشعری تسخیر شد. "پس از آنکه قسمت کلی ایران را سپاه اسلام فتح کردند در تمام دوره خلافت خلفای راشدین، و امویان (۴۱-۲ هجری) معمول چنین بود که حکامی از جانب والیان بصره و کوفه بایران و ماورالنهر می‌آمدند و ایشان همه سرداری لشکر را نیز به عهده لئند. چنین شغل مهمی کمتر به عهده مسلمانان غیر عرب نهاده می‌شد. پس از آن در عهد بنی عباس (۱۳۲-۶۵۶ هجری) حکام مستقیماً باار الخلفاء مامور می‌شدند و عنصر ایرانی در میان ایشان غالب بود مانند بومسلم در زمان سفاح و منصور" (تلخیص از باطنی، ۱۳۶۹: ۷۸).

البته بنا به نظر پاول "مسلمین پیروان دین زرتشت را به تغییر دین وادار نکردند و آنها را در ردیف یهود و نصاری محسوب داشته و قول قرآن با آنها را اهل کتاب می‌دانستند" (پاول، ۱۳۴۹: حکومتهایی که در بازه این تحقیق گنجانده می‌شوند عبارتند از: طایبان - علویان - آل زیار - آل بویه - صفاریان - سامانیان. "سینه‌هایی که از عهد ماسون به بعد در ایران تاسیس شدند دو دسته اند بعضی مانند نوبیان طبرستان، صفاریان و آل بویه و زیار به علت گرویدن به مذهبی غیر از مذهب رسمی خلفا، یعنی تسنن، مدعی خلیفه بغداد بودند و بدت روحانی او را قبول نداشتند. گروه دیگر مانند سامانیان و غزنویان چهر همان مذهب خلیفه بودند او را بر خود امیر المومنین می‌شناختند؛ به نام او خطبه می‌خواندند" (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۱۲). به خصوص مورد صفاریان باید گفت "نویسنده اعیان الملوک مدعی است ساکنان قدیم سیستان از گرشاسب تا فرامرز بر شریعت آدم و نوح بودند و مرغان سیستان بر ملت ابراهیم بودند تا ظهور اسلام" (یغمایی، ۱۳۷۰: ۸). چنین اعتقاداتی می‌توانست یکی از دلایل عدم موافقت ایرانیان با عقاید خلفا باشد.

در زمان سامانیان بسیاری از عشایر ترک آسیای میانه اسلام آوردند. "از شمار قراوان سکه‌های سامانی پیدا شده در اروپای شرقی و اسکانندیناوی، میتوان دریافت که سامانیان به بازرگانی با سرزمین‌های نور دست علاقه داشتند و منابع نیز از ورود و صدور مداوم پارچه و قلام هنری و کار دستی در قلمرو سامانیان یاد می‌کنند" (انجی، ۱۳۸۰: ۵۲). تفاوت اصلی آل بویه و سامانیان در اینجا بود: "آل بویه آیین‌های گشته، مانند زمان ساسانیان را به صورت سرد و خشک زنده نگه داشتند؛ زرتشتیان مورد حمایت آنان، گذشته را تقلید می‌کردند و قادر به آفرینش هنری نو و بویا نبودند. در حالی که سامانیان فرهنگ کهن را با موازین مباصر اسلامی

حویش را پایه گذاری نمودند. بعد از آنها صفاریان پادشاهی کردند. سلطنت سامانیان تا روزهای تاریخی ۹۹۹ میلادی که قسمت اعظم شمال ایران به زیر فرمانروایی آنها درآمد ادامه یافت. حکمرانان این سلسله بخارا را برای پستی انتخاب کردند و بعد از سمرقند و نیشابور نیز اقامت نمودند (انینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۱۲۱). به هر حال به قول دکتر زرین کوب "نه فتح اعراب وحدت تاریخی ایران را بهم زد و نه فقرتها و جداییهایی که پس از آن به وجود آمد اما اینهمه تاریخ ایران را گرانبار کرد" (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۳).

آستی دادند و سازشی در فارسی جدید یافتند که به خط عربی نوشته می شد" (نالبوت رایس، ۱۳۸۱: ۷۱).

در زمان ساسانیان سرگرمی و بازی های رایج امیران چوگن، شطرنج و تیر اندازی و شکار بود و در میان نامه مردم اسب دوایی و تیر اندازی از ورزش های رایج بود (همان: ۸۶). دارای سابقه و طرز حکومتی متفاوت با آل بویه بودند. آنان از خراسان یا به عبارتی از شرق ایران و غرب ترکستان طلوع کردند. در اوایل قرن نهم میلادی (۸۲۰-۲۳) طاهریان خراسان نوای استقلال خود را از خلفای بغداد سر دادند و پادشاهی

جدول ۱ - خلاصه اوضاع اجتماعی فرهنگی قرون اولیه اسلامی تا پنج هجری ایران

نوع اثر	عنوان اثر	نویسنده	تاریخ	موضوع	محل نگارش
تاریخ	تاریخ طاهریان	طاهر بن حسین	۲۰۶-۲۸۹ (هجری)	اولین حکومت مستقل - توجه به کشاورزی - کتابت در دوره قنات	از منطقه حیره، قاسبه و نهاوند
تاریخ	تاریخ علویان	علویان	۲۵۰-۳۱۶	تقید به امور دینی شیعی - تمایل به مراسم ایرانی	از منطقه حیره، قاسبه و نهاوند
تاریخ	تاریخ آل بویه	شمس المعالی قابوس - ابوریحان - فردوسی	۳۱۶-۳۳۳	بزرگداشت نوروز و مهرگان	از منطقه حیره، قاسبه و نهاوند
تاریخ	تاریخ آل بویه	مرد اویج عمادالدوله - بوعلی سینا	۳۲۰-۳۳۷	شیعه - پاسداشت محرم و عید غدیر - احیای هویت فرهنگی ایرانی	از منطقه حیره، قاسبه و نهاوند
تاریخ	تاریخ صفاریان	بغداد ایت	۳۳۷-۳۶۲	دیندار و با انصاف	از منطقه حیره، قاسبه و نهاوند
تاریخ	تاریخ سمانیان	جهانی و بعضی - رودکی - شهید بلخی	۳۷۹-۳۸۹	در ابتدا زرتشتی - پیشرفت زبان فارسی	از منطقه حیره، قاسبه و نهاوند

گروه ها و طبقات اجتماعی

به طور کلی طبقات عمده اجتماعی در این دوران شامل موارد زیر است: شاه و دربار - اربابان تجاری و ثروتمند - دهقانان - مرزبانان - سربازان - صنعتگران - روزمزدان - بردگان (اقتباس از اشپولر، ۱۳۶۹، جلد دوم: ۲۷۲-۲۸۳).

گرویدن دسته جمعی و سریع زرتشتیان شرق ایران باعث شد تا دهقانان مقام رهبری اجتماعی خود را حفظ کنند (اشپولر، ۱۳۶۹، جلد اول: ۲۳۹). دهقانان حتی اگر خود مسلمان بودند از سنتهای ملی و داستانهای قهرمانی و هنر حمایت گسترده به عمل می‌آوردند (اشپولر، ۱۳۶۹، جلد دوم: ۲۷۵). به هر تقدیر به قبول کنندگان دین اسلام در ممالک فتح شده از جمله ایران امتیازاتی داده می‌شد مانند حصه‌های که از بیت المال می‌بردند. در نتیجه اشخاصی که زمین و املاک وسیع داشتند با وجود زیادی مالیات بقا در دین اجنادی را ترجیح می‌دادند ولی عامه مردم دسته دسته دین اسلام را قبول کردند (پاول، ۱۳۴۹: ۱۱). با این حال از جمله گروه‌های مشخص در دوران اولیه اسلامی موالی می‌باشند. بیان در واقع مسلمانان غیر عرب بودند زیرا اعراب به سبب اینکه بلاد آنها را با جنگ فتح کرده اند آنها را بندگان آزاد کرده خویش می‌دانستند (ممتحن، ۱۳۸۲: ۱۳۳) و (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۳۷۸). موالی کوشش داشتند تا حق برابری ایرانیان با اعراب را به سبب لیاقت ایرانیان در تمام زمینه‌های امور اداری اقتصادی و هنری تحقق بخشند (اشپولر، ۱۳۶۹، جلد دوم: ۲۷۷).

مرزبانان در محافل اشرافی در خراسان شکل گرفتند و اتکا موجودیت ایران بیشتر به آنها بود (همان: ۲۷۶). زندگی عامه دور از گیر و دار دستگاه خلافت و فارغ از قیل و قال ارباب مذاهب و آراء در فقر و توانگری و کار و بی‌کاری می‌گذشت (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۴۴۹).

به تدریج در غرب و بخش میانی ایران محفل برگزیدگان (صاحبان مرتبه) ایجاد شد که تشکیل شده از قاضی و رئیس و خطیب و سادات علوی و سالار علوی و سالار مجاهدان می‌شدند (اشپولر، ۱۳۶۹، جلد دوم: ۲۷۹).

اما در کنار این طبقات، قشر وسیعی از صنعتگران و روزمزدان و بردگان وجود داشت که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی و بسته به طبقات ممتاز بود. "اما عوام هنر را در بند نمی‌کند، سبکی را بر سبکی رجحان نمی‌دهد، گاهی طبیعت گراست، زمانی واقع گرا و گاهی دیگر یا تمثیل و استعاره و رمز و اشاره مقصود خود را عنوان می‌کند و زمانی هیچ قیافه ای نیاندیشیده و هر چه در دل تنگش گذشته است در قالب شعر یا صورت نقش و نگار بازگو می‌کند" (قزاقی، ۱۳۷۷: ۲۲). به هر تقدیر "نوده عظیم ساکنان اصلی ایران را کشاورزان تشکیل می‌دادند. طبقه ای که بار اصلی مالیات را بر دوش داشتند" (اشپولر، ۱۳۶۹، جلد دوم: ۲۷۹).

از دیدی نمادگرایانه طبق داستان‌های شاهنامه می‌توان گفت "گاو پرمایه محصول فرهنگی جامعه کشاورزی، سیمرغ محصول فرهنگی جامعه شکارچی، گوسفند ماده محصول فرهنگی جامعه دام دار و کرم هفتواد محصول فرهنگی جامعه ای ای که پیشه مردم عیاری و صنعت گری است" (تقی، ۱۳۹۰: ۳۴۹). در نهایت باید گفت در این رساله به اشیا در نزد گروه خاصی از اجتماع توجه نمی‌شود بلکه سعی می‌گردد اشبای طبقات خاص با توجه به نقش و فرم بکار رفته و نمادهای استفاده شده در آنها شناسایی گردند. به هر روی محققان اعتقاد دارند "هنر عامه تجلی ذوق و فکر و احساس عوام را به صورت آثار هنری بدون پیرایه و در نهایت ساده اندیشی بیان می‌دارد و هنری است که بر واقع گرایی، بی

پیرایگی و اندیشه جمعی استوار است" (قزاقی، ۱۳۷۷: ۲۲). از طرفی هنر خواص با توجه به نمادهای هر گروه تا حدودی قابل شناسایی می‌باشد.

عوامل فرهنگی

اعتقادات مذهبی قبل از اسلام

"ایرانیان باستان جهان را همچون بشقابی تصور می‌کردند که همچون صخره ای از الماس در شکل اصلی خود بوده ولی با ورود شر (اهریمن) آرامش آن درهم شکسته شد. اهریمن آسمان را شکافته و وارد آن شده و سپس به آب فرو رفت و به میان زمین تاخت و آن را به لوزه در آورد و بر اثر آن کوه‌ها از زمین بیرون شدند. لبرز کوه هشتصد سال طول کشید تا از زمین به در آید" (هیلنز، ۱۳۸۸: ۲۳). این بخشی از بن مایه اسطوره ایران پیش از زرتشت است.

با توجه به نظر محققان می‌توان گفت تاریخ اسطوره ای ایران، تاریخی ۱۲ هزار ساله است که به ۴ دوره ۳ هزار ساله تقسیم می‌شود. دوره اول، دورانی مبتیوی و سراسر نور است. در دوره دوم با مواجهه نور و تاریخی ماده تولید می‌شود و در دوره سوم اولین نوع پسر و کیانیان و بسیاری از شخصیت‌های اسطوره ای به وجود می‌آیند. در نهایت دوره چهارم است که تقریباً با دوران تاریخی امروزی قابل تطبیق است. ابتدای دوره چهارم با زرتشت شروع می‌شود و در پایان آن سوشیانس که منجی آخر الزمان است ظهور می‌کند (آموزگار، ۱۳۸۳).

بر خلاف ادیان هلنی، زرتشتیان در مقایسه با روح، ماده را زشت نمی‌انگارند بلکه از نظر آنان روح و ماده باید در هماهنگی کامل باهم قرار گیرند تا زندگی دلخواه و مطلوب ایجاد گردد (هیلنز، ۱۳۸۸: ۶۰). زرتشت در اصل تنها بر خلق اسطوره‌های تازه تاکید نمی‌کرد بلکه تقاسیر خود اساطیر قدیمی تری را نیز می‌گنجاند. شاید مشخصه ویژه آموخته او، تاکید بر بخش فردی و درونی مذهب است (همان: ۹).

در آیین زرتشتی اگر پیکره‌های بسازند و آن را از اصل آن جدا کنند باید در رستاخیز در آن جان بدمند پس در زمان هخامنشیان پیکره‌ها در حد نقش برجسته است و از سنگ اصلی جدا نیست. ماهیچه‌های شانه به شکل ۸ در شیر یا گاو و عقاب از ویژگی هنر هخامنشیان بوده است. شیر در حالات مختلف رایج ترین آذینه در جواهر سازی هخامنشی است (پرادا، ۱۳۸۳: ۲۷).

در آیین زرتشتی ایران، پس از اهورامزدا که آفریننده بزرگ مخلوقات است، امشاسپندان نیز ستایش می‌شوند. هر کدام از ایشان به یک جزء طبیعی اطلاق می‌شود و آنرا پشتیبانی می‌کند: "آشا آتش را، وهومانا گاو را، زیساترا فلزات را، آرماییتی زمین را، هویورواتات آنها را، و آمرانات گیاهان را" (هیلنز، ۱۳۸۸: ۹۳). آیین زرتشتی، تقوا را در این صفات می‌دند: پاکی، تقدس، تنفر از دروغگویی، درست قولی، رحم، مروت، احترام حکومت. مخصوصاً درست قولی برای مورخین جلب توجه کرده بود و یونانیان (هرودوت، و کزنفون) از آن یاد کرده‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۸۱). از صرفی قدرت یک خدا در فراوانی القاب او متجلی است: در شرح تورات در آفرینش نام‌های آفریدگان زمینی مستقیماً از سوی آفریدگار تعیین نمی‌شوند. برای رفع خطر از وجود انسان، از روش تغییر نام استفاده می‌شود. قاعده راز داری در مورد نام مقدس رعایت می‌شود زیرا به زبان آوردن این نام همه قدرتهای خدا را آزاد می‌سازد (کاسیرر، ۱۳۶۷: ۱۰۷-۱۴۷).

برخی از اسطوره‌ها آنقدر اثرات مهمی در زندگی انسانها داشته‌اند

و غیر مقدس بود این هنر در ادوار بعدی از حالت جلی به صورت خفی درآمد بورکهارت یکی از علل دنیوی شدن هنر عصر اموی را در کنار عصیبت تلتمت آمیز قومی و گریز از سنت نبوی وجود نامسلمانان با تو مسلمانان ظاهری در بخشهایی از جهان اسلام می‌داند که گرایشهای هنرستانی را در دربار امویان ظاهر ساختند (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۳۳۴). دنیوی شدن سیاست موجب کناره گیری نیروهای معنوی از عرصه سیاست و انتقال تعالیم دینی به میان امت مؤمن که سیاستمداران را اغلب اهل ظلمه می‌دانستند شد. در این میان فلاسفه و برخی متکلمین متأثر از تفکر یونانی کار بدي هنرمندان را شایسته تحمل ندیدند و چون ارسطو و افلاطون بیشتر به شعر و حکمت شمری نظر کردند و فلسفه هنر آنان نیز در واقع فلسفه شعر بود تا فلسفه صنایع مستترقه و هنرهای زیبا و فنون جمیل و این فلسفه نیز بیشتر ترجمه فن شعر ارسطو بود و کم و بیش یونانی زده ماند (مددیپور، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

تعالیم و عقاید اسلامی بر کل شئون و صور هنری رایج در تمدن اسلامی تأثیر گذاشته است و صورتی وحدانی به این هنر داده و حتی هنرهای باطل نیز نمی‌توانسته اند خود را از این حقیقت متجلی بر کنار دارند. بنابراین همه آثار هنری در تمدن اسلامی به نحوی مهر اسلام خورده اند. همچنانکه اشتراک در دین باعث شده تا اختلافات و تعلقات نژادی و ستن باستانی اقوام مختلف در ذیل علائق و تعلقات دینی و معنوی قرار گیرد و همه صیغه دینی را بپذیرند و وجود زبان دینی مشترک نیز به این امر قوت می‌دهد.

تغلبه وحدت دینی در هنر اسلامی تا آنجا پیش آمده که تباین هنر دینی و هنر غیر دینی را بر داشته است، و ثباتی که بین هنر مقدس و غیر مقدس در مسجیت به وضوح مشاهده می‌شود در اینجا از بین رفته است. دوری از طبیعت محسوس و رفتن به جهانی ورای آن یا صور تمثیلی از اشکال هندسی تبتی و اسلیمی و خطایی و گره ها به وضوح به چشم می‌آید. وجود مرغان و حیوانات اساطیری بر این حالت ماوراء طبیعی در نقوش افزوده است. وجود چنین نموناتی یا دیگر عناصر از نور و حجم و صورت، فضایی روحانی به هنر اسلامی می‌بخشد. این ممیزه در حقیقت گاهی از صور خیالی قصص اسلامی به نقوش تسمی پیدا می‌کند. این صور که وصف عالم و آدم و مبدا عالم و آدم می‌کنند در قلمرو هنر اسلامی در آغاز در شعر و حکایات جلوه گر شده است، و حتی مشرکین قرآن را در زمره اشعار و بیامیر را شاعری از شاعران انگاشتند. بدینسان روح هنر اسلامی سیر از ظاهر به باطن اشیاء و امور است. هنرمندان اسلامی در نقش و نگاری که در صورتهای خیالی خویش از عالم کثرت می‌بینند، هر کدام جلوه حسن و جمال و جلال الهی را می‌نمایند. بدین معنی هنرمند همه موجودات را چون مظهری از اسماء الله می‌بیند (همان، ۱۲۳).

«هنر نقوش و نگاری که مرا در نظر آید، حسنی و جمالی و جلالی بنماید»

چون در تفکر اسلامی جلوه و منکات نوار الهی است و حاصل فیض مقدس نقاش از وی، هر ذره ای و هر موجودی از موجودات جهان و هر نقش و نگاری مظهر اسمی از اسماء الهیه است و در میان موجودات، انسان مظهر جمیع اسماء و صفات و گزیده عالم است. نکته اساسی در هنر اسلامی که باید بدان توجه کرد عبارت است از توحید زیرا هنرمند مسلمان از کثرات می‌گذرد تا به وحدت نایل آید. انتخاب نقوش هندسی و اسلیمی و خطایی و کمترین استفاده از نقوش انسانی و وحدت این نقوش

که نمدها و مفهیمشن بسیار عمیق است. مانند آب که اعتقاد به اینکه منشا حیات در آب داشت در بسیاری از فرهنگ‌های باستانی مشترک بود. پیدایش این اعتقاد در مورد اقوامی مثل ساکنان دره نیل، فرات یا دره سند بسیار طبیعی است، زیرا در این سرزمین ها چه به صورت باران های موسمی و چه به صورت رودهای دائمی بدیهی و لازمه افزایش رستنی هاست. "در اساطیر ایران دایره، کره و نیمکره نماد میترا و مریخ و مکتب مبین امور آزما هستند. مثلث متساوی الاضلاع نماد هماهنگی و تناسب و باروری است و گاهی مفهوم زمین را می‌رساند. اگر راس آن به طرف بالا باشد نماد آتش و جس مذکر و اگر راس پایین باشد نماد آب و جنس مؤنث است. در نتیجه در اساطیر ایرانی مکت شانی از آنها این است" (افشار مهاجر، ۱۳۲۹: ۶۱).

"از اشارات مختصر و پرکنده ای که در مآخذ وجود دارد می‌توان چنین پنداشت که اکثریت مردم واحه بخارا آیین محلی خاصی داشته اند که در آن شخصیت محوری سیاوش نقش مهمی داشته است. همچنین داستانهای مربوط به رستم همچنان رواج داشت" (قرای، ۱۳۶۵: ۵۰). به عقیده قرای بخارا محل تقاطع سه جریان فرهنگی بود. فرهنگهای غرب ایران، اعراب مسلمان و شرق ایران و این امر باعث شکوفایی بخارا به عنوان مرکز فرهنگی در قرن ۴ هجری گشته بود (همان، ۶۷).

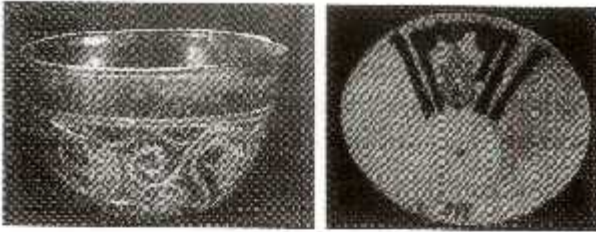
تفکر و هنر اسلامی

"واژه اسلام به معنای اولیه نش یعنی اسوده و آرام بودن، انجام تکلیف و در معنای دنیوی یعنی تسلیم به او که از نش یا او به وجود می‌آید. معنای اسم این کلمه یعنی صلح، سلامت، قلاح، پس آنگونه که عموماً تصور می‌شود معنای آن تسلیم مطلق در برابر اراده خداوند نیست بلکه برعکس معنی آن کوشش در راه نیکو کاری است" (علی، ۱۳۷۰: ۱۳۱-۱۳۲). دیدگاه اسلام اساساً بر روی خدا متمرکز شده و معیناً گرایش به انتزاع نیز گاهی با رویکرد ریالیسم تعلق شده است و بیان و فرمانمود ارزش زیبایی شناسانه هم کاملاً از ادبیات خالی نبوده است" (اژند، ۱۳۷۳: ۹۰).

در زمان صفاریان گرامیه از جمله مهمترین فرقه‌های مذهبی سیستان بود. اینسان معتقد به تجسم معبود بودند که گویا از عقاید مانوی متأثر بود و خداوند را جسمی می‌داند که از همه کامل تر و بزرگتر است و در صورتهای زیبای به زمین فرود می‌آید (یغمایی، ۱۳۷۰: ۲۵۹). یکی دیگر از فرق مذهبی که تأثیرات بسیار در پیامدهای این دوران دارد شعوبیه است. دعوت شعوبیه ابتدا متکی بر تعلیمات اسلام بود و در ادامه بر عدم مزیت اعراب پای فتاری کرد تا آنجا که عرب را خفیرترین ملل روی زمین شمردند و با تمام مظاهر عرب به دشمنی برخاستند (ممتحن، ۱۳۸۳: ۲۰۳-۲۰۴). نخبگان ایران از طریق ارتباط با موالی در تماس با حرکت شعوبیه به کرات به رهبری آنها نیز نایل شدند، قرار گرفتند (اشبولو، ۱۳۶۹ جلد دوم: ۲۷۷).

دو موضوع تفکر اولیه اسلامی را می‌توان به حق به زینتکاری اسلامی مرتبط دانست. اولین، در عبارت «الله البقاء» نشن داده شده است. به این معنی که فقط خدا باقی است و تنها خداست که هر چیز را جزو دانه می‌کند. موضوع دوم به ذره گرایی معروف شده است. یعنی تمامی جهان از ترکیبات گوناگون واحدهای برابر تشکیل شده که از یکدیگر متمایز می‌گردند (گرابار، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

حکومت امویان هنری را جستجو کردند که آشکارا کافرانه و دنیوی



تصویر ۲ - کتسه‌های سفالی و شیشه‌ای موجود در موزه ایران باستان

به امور مرتبط با زندگی و از جمله کیفیت غذا خوردن مردمان در بازه تحقیق از کاوش در کتابهای تاریخی پرداخته شود. درباره زندگی عوام اطلاعات کم است یا این حال در کتاب حکایه ایی القاسم آمده است که فرش عموم مردم اصفهان گلیم و زیلوی بافت رویدشت و نمذ کردی بوده و در اطراف اطاق مخده می‌گذاشتند (فقیهی، ۱۳۶۰: ۶۴۲).

آداب خوردن و آشامیدن

"در زمان هارون الرشید خرج یک خانواده معمولی مرکب از زن و شوهر را در سال ۳۰۰ درهم کفایت می‌کرد و ۷۰۰ دینار ثروت کمی نبود" (متر، ۱۳۶۲: ۱۱۹). جهت پی بردن به چگونگی استفاده از ظروف خانگی این دوران باید به امور مرتبط با زندگی و از جمله کیفیت غذا خوردن مردمان در بازه تحقیق، از بررسی در کتابهای تاریخی پرداخته شود. درباره زندگی عوام اطلاعات کم است یا این حال در کتاب حکایه ایی القاسم آمده است که فرش عموم مردم اصفهان گلیم و زیلوی بافت رویدشت و نمذ کردی بوده و در اطراف اطاق مخده می‌گذاشتند (فقیهی، ۱۳۶۰: ۶۴۲). در قرن چهارم تقریباً تمام مردم ممالک اسلامی از نان و سیر و لبنیات تغذیه می‌کردند، برخلاف هند و آسیای شرقی که خوراکیان برنج بود" (متر، ۱۳۶۲: ۱۶۸).

"در زمان عباسیان دلبستگی فراوان به هنر آشپزی در میان بود" (باطنی، ۱۳۶۹: ۱۰۵). انواع گوشت، سبزیجات، نان و حبوبات مورد استفاده قرار می‌گرفت و اسبهای متعددی نیز برای انواع ظروف پکاز می‌رفت. این حوقل در خصوص مهمان نوازی آل بویه و اطرافیانشان مطالب بسیار نوشته است (فقیهی، ۱۳۶۰: ۶۸۴). این حال غذا خوردن به دوگونه بوده است یا بر خوان و یا بدور سفره. "خوان بر دو قسم بزرگ و کوچک (خوانچه) از تخته، سن و گاهی نقره بوده است. از آنجا که بدور است برخی شرا آنرا به ماه شب چهاردهم مانند کرده اند. نوع دیگر خوان پایه دار بوده که گویا اختصاص به بزرگان داشته است" (همان: ۶۸۶).

از چوب شمشاد در کاخهای قاملی برای ساختن بشقاب استفاده می‌کردند. این چوب به مقدار زیاد در گرگان بازرگاری می‌شد. جاحظ ظرفی از شمشاد را در کنار ظروف چینی متفش، ستوده است (متر، ۱۳۶۲: ۱۲۵). در ولیمه‌ها و میهمانی‌هایی که بزرگان و توانگران هر شهر می‌دادند فقیران در کنار توانگران می‌نشستند (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۳۴۹). "در میهمانی‌های عمومی سفره‌های بزرگ کرباسی پهن می‌کردند. در ضمن گلاب سر و روی میهمانان می‌ریختند و عود می‌سوزانیدند و برای زینت سفره انواع سبزی و میوه و شیرینی اطراف آن می‌گذاشتند" (فقیهی، ۱۳۶۰: ۶۸۶). پس از صرف غذا خلال تراشیده و اشتهان سفید آمیخته با مواد معطر به مهمانان می‌دادند آنگاه طشت و آفتابه آورده تا میهمانان دستشان را بشویند و بعد با دستمال مخمل خشک نمایند" (همان: ۶۸۷). البته عوام مردم برای دست شستن به کنار حوض می‌رفتند.

در یک نقطه، تأکیدی بر این اساس است (همان: ۱۲۷). طرحهای نسبی که به نحو بازی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را نمایش می‌دهد، همراه با نقوش اسلیمی که نقش ظاهری گیاهی دارند، آن قدر از طبیعت دور می‌شوند، که ثبات را در تغییر نشان می‌دهند و فضای معنوی خاصی را ابداع می‌نمایند که رجوع به عالم توحید دارد.

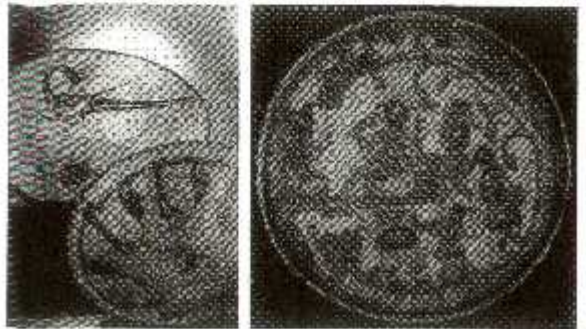
در هر حال "اجتناب از تشبیه سازی در هنر صدر اسلام، در هر جا که بنایی مذهبی مطرح بوده، سازمان یافته و عمدی است. در حالیکه این رویکردانی به معنای رویگردانی از معانی نمادین نبود که متناسب به شکل‌هایی است که عملاً مورد استفاده قرار گرفته اند حتی معنای سادین به شکل‌های جدید اخذ شده از زبان‌های هنری پیشین اطلاق شد که تا آن موقع واجد ام معانی نمادین دانسته نمی‌شدند" (گرابار، ۱۳۷۹: ۶۰). وقتی صنعتگران و هنرمندان اسلامی به کار مشغول می‌شوند باروشی خاص سر و کار پیدا می‌کنند و به کار بروحانیتی دینی می‌دهند. نتیجه‌ای از روحانیت کار را در احوال صنعتگران در رساله چیت سازان می‌یابیم، وقتی که کار به صورت اسرار آمیز و سمبلیک چونان سیر و ملک در مقاصد و منازل معنوی تلقی می‌گردد و از مرحله گرفتن قالب پرخت رنگ تا سستن کار، همچنان که از حضرت «لوط» پیامبر یاد گرفته اند تا در دنیا نامدار و در قیامت رستگار باشند، معنویت و روحانیت کار به وضوح نمایان است، یا آنجا که قالب را مظهر چهار رکن شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت، و رنگ سیاه را مظهر ذات حق می‌گیرند، همه حکایت از احوالات روحانی هنرمند می‌کند. تمثیل و رازگونگی کار هنری به وضوح در این مقام مشاهده می‌شود (افشاری، ۱۳۸۴: ۷۶).

سیاهی گر بدانی عین ذات است که تاریکی در او آب حیات است.

طراحی ظروف خانگی دوران ۱-۵ هجری

برخی اشیای خانگی آن دوران، امروزه در موزه‌ها به عنوان بخشی از تمدن و آثار فرهنگی و هنری آن مردمان نگه داری می‌شوند. این برحالی است که تمدن به همه تغییرات کمی و کیفی ای اطلاق می‌شود که در زندگی بشری حاصل شده و در عرصه حیات مشترک انسانهایی که به هم در ارتباطند مجال ظهور و ماندگاری و تحول یافته است. تمدن بر همه آثار و نشانه‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی راه یافته در زندگی تاریخی مردم اطلاق می‌شود" (شعیانی، ۱۳۵۴: ۲۰۱). در نتیجه اشیای لوایی که مردم در زندگی روزمره استفاده می‌نمایند اهمیت خاصی در تحقیق در زندگی و فرهنگ ایشان دارا می‌باشد و از بررسی آنها می‌توان به سبب زندگی مردم دست یافت.

جهت پی بردن به چگونگی استفاده از اشیای خانگی این دوران باید



تصویر ۱ - ظرف فلزی و ظروف سفالین نیشابور در موزه ایران باستان

بهاست دیده می‌شود. زمینه اصلی خوراک گوشتی ایرانیان را در وهله اول گوسفند و پند گاو تشکیل می‌داد. البته گوشت بزندگان نیز با میل خورده می‌شد (اشیولر، ۱۳۶۹، جلد دوم: ۴۰۱). این علاقه به خور گنها بدانجاست که "مورخ مشهور ابن مسکویه کتابدار عضدالدوله تأییدی متقن و منظم که شامل اصول یخت و پز است فراهم آورد" (متز، ۱۳۶۲: ۱۲۵). بری رفیع عطش و نیز به عنوان غذا میوه بسیار مانند هندوانه، برنقال، لیمو، انگور، سیب، خرما و انار خورده می‌شد و از میوه‌ها خیار در انواع مختلف و زیتون نام برده شده است (اشیولر، ۱۳۶۹، جلد دوم: ۴۰۳). در سفرنامه‌ها از بسیاری و تنوع و مرغوبیت میوه‌ها از جمله "زردآلو، انگور و هندوانه در اصفهان و شیراز" (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۲۱۱) می‌توان یاد کرد البته می‌گویند "بین میوه جات کثرت تاک از همه بیشتر بود" (متز، ۱۳۶۲: ۱۶۹). همچنین ابن بطوطه در سفرنامه خود به گشاده دستی اهالی اصفهان اشاره کرده و اینکه در مهمان تواری همچشمی و تغلخر می‌ورزند.

همچنین گلاب و عرقهای معطر در ایران سابقه بسیار داشته است و توجه به واژه می‌به معنی شرب تقصیر شده در مقابل باده که شراب تخمیری است، تأکیدی بر این موضوع است. "در شاپور از توابع قارس این صنعت به نام صنعت عطریات بسیار معروف بود که در آن ایام از بنفشه، نیلوفر، ترگس و کارده و سوسن و زنبق و مورد و مرزنگوش و لریج و نارنج استفاده می‌کردند" (همان: ۲۰۰).

"از مس، آهن و برنز در اثاث منزل از جمله دیگ‌ها و ظروفی چون چاقو و قیچی استفاده می‌شد و سمرقند و بخارا به آن معروف بودند" (ناجی، ۱۳۸۰: ۵۴). "اسباب آسیرخانه را اغلب از برنج می‌ساختند. ناصر خسرو وصف سیوهایی که گویا زرین به چشم می‌آمدند را ارایه داده است" (متز، ۱۳۶۲: ۱۲۶). "پالاه و جامه‌های ظریف و زیبا در نگارگری ایرانی جزئی از زیورآلات الخفی زبیا روپان است" (خلج امیر حسینی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). "شب ماه رمضان در مسجد چراغها و قندیل‌ها نصب می‌شد و توانگران در این راه صرف مال می‌کردند و گویند فضل برصکی اولین کس بود که در این باب اهتمام نمود" (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۴۴۹). از طرف دولت نیز در جشنها "بین کارمندان و حقوق بگیران جامه‌های شربت مخصوص قاهره و قرابه‌های گلاب و زعفران زولبیه و گلاب و شاه ماهی توزیع می‌گردید و دکاکین و کوجه بازار با فانوس روشن می‌شد و به دست قنیران چراغ می‌دادند که بگردند و مزدشان یک درهم بود" (متز، ۱۳۶۲: ۱۶۹). همچنین در کتیبه‌های اقبانوس پیمان ظریفی ز برنج و روغن هر روز برای فرستگان نگهبان کشتی می‌گذاشتند (همان: ۲۴۰).

"بازاریها غذای عمده خود را در شب صرف می‌کردند با این حال مردم بیش از یک وعده غذای اصلی نمی‌خوردند که معمولاً بعد از نماز ظهر بود" (فقیهی، ۱۳۶۰: ۶۸۹). در کتاب ال بویه و زندگی رمان ایشان به ۵۲ نوع خوراکی مشتمل بر نان و گوشت و خردرد ۱۱ مورد آش و انواع شیرینی و حوا اشاره شده است. میوه نیز به فراوانی استفاده می‌شد مخصوصاً در نگارگری‌ها انواع صراحی‌ها و بنقابهایی که آثار در

جدول ۲- اشیای قرون اولیه اسلامی تا پنج هجری بر اساس فرم، نقش‌های و ارگونومی

نوع اشیاء	فرم	نقش‌ها	ارگونومی
کاسه	استوانه ای - نیمکره ای - مخروط ناقص - دسته دار و بی دسته - لبه‌های کنگره ای	بز - مرغابی - ماهی - کبوتر - شاهین - انسان - برگ درخت - طاووس - خطاطی	زایده بالای دسته جهت چنگش آسان در برخی موارد
بنقاب	دایره ای - مخروط ناقص	انسان - اسب - درخت - هند - برگ درخت - اردک - گوزن - سگ - شکاری	یا عمق متناسب جهت نگه داری غذاهای مایع
پارچ و تنگ	گردن باریک - کمر باریک - دسته دار و بی دسته	برگهای پهن - قرقاول - طاووس خروس	و یا زایده بالای دسته
صراحی	گردن باریک و بلند	دایره - لانه زنبوری	گردن دارای حلقه‌های افزوده جهت چنگش آسان

نوع خانه	شماره	نقش اصلی	استفاده	نوع
لیوان و جام	بایه داز یا دسته گرد - مخروط ناقص	بایه جهت ایستایی - دستگیره برای چنگش با انگشت		
زیمون	فرم جانور مانند	شتر - بز - اژدها - پرنده - گربه - عقاب - کبوتر	استفاده از اجزای طبیعی شکل جانور جهت ایستایی	
دیگ و ظروف بزرگ و خموره	مخدب	انسان - حیوان درخت - پرنده	تعبیه ۴ دسته در ۴ جهت جهت حمل بهتر بار	

نتیجه گیری

به طور کلی برخی عوامل تاثیر گذار فرهنگی از مجموع حکومت‌های متقارن این دوران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- داشتن وزیران نامی و قاضی حسنک وزیر - جبهانی
- رسمی شدن زبان فارسی در دستگاه‌های غزنوی و آل بویه و سامانیان
- اهمیت به مناسک کهن ایرانی
- اهمیت به اعیاد مذهبی اسلامی
- برخی از پادشاهان دیندار و ادب پرور بوده‌اند
- شاعران نامی مانند رودکی - فردوسی - سعد سلمان - شهید بنیعی
- دانشمندی چون بوعلی سینا - عمر خیام - بیرونی
- ارتباط با هندوستان
- منطقه جغرافیایی حکمرانی بیشتر متمرکز بر شمال - مرکز و شرق برخی از آثار این دوران از جمله سفال‌های سامانیان که بیشتر از نیشابور به دست آمده اند اصالت‌های خاصی در تزیین دارند. "خط عربی - تاثیر از سفالینه‌های دو رنگ چینی - تاثیر قوی منسوجات در نقش‌های خال خالی و تصویرهای مدور پرندگان آهو و گلو بوته - نمادهای مذاهب مختلف - صورت نگاری از شکارچیان در پشت اسب، حاکمانی در جلوس و رقصندگان در میان حیوانات و پرندگان از جمله نقوش خاص سفال‌های نیشابور است" (ناجی، ۱۳۸۰: ۶۵). با توجه به نوع غذایی که در آن دوران استفاده می‌شده که آش‌ها قسمت عمده آنها شامل می‌شود، و فور کاسه‌ها و بشقاب‌های تو گود قابل درک است. شیوه زندگی و آداب و رسوم ایرانیان از سالها پیش تا کنون تغییر چندانی نکرده است و این خود حاکی از استحکام فرهنگی و تداوم تمدن یا شکوه ایرانی است. "رابطه معنوی کلمات و جملات که شامل احادیث و روایات در خصوص رزق و روزی و اتفاق می‌شود از جمله ویژگی‌های هنر این دوره است که به تزیینات صرف اکتفا نکرده و همسویی و معنا دار بودن این هنر را در بر دارد" (احمد پناه ۵).

خوبش را نگاه داشتند اما اسلام را نیز پذیرفتند و برای ایشان پدیده‌ای شد بسیار بیشتر از یک دین شرعی" (فرای، ۱۳۶۳: ۱۳) بنکه سرچشمه ای برای یاز آفرینی‌های نوین در فرهنگ و هنر.

تفکیک عناصر گشتالت به عناصر ماکرو و میکرو نشان می‌دهد که فرم شی در کدام جنبه اهمیت بیشتری دارد. در واقع عناصر ماکرو بر ساختار کلی و عملکرد و کارایی شی تاکید دارند و عناصر میکرو بر جنبه‌های روانی ارتباط استفاده گر و شی، با توجه به جداول ۱ و ۲ مشخص می‌گردد که فرم‌های گرد، استوانه‌ای و مخروطی بیشترین استفاده را در عناصر ماکرو دارند، در حالیکه عوامل ارگونومی (جهت سهولت استفاده و کاربرد) و زیبایی شناسی از طریق نقش سایه‌ها و تمادها در عناصر میکرو جای گرفته‌اند. از طرف دیگر با توجه به جداول عناصر گشتالت و عناصر طراحی ملاحظه می‌شود که از دید عناصر ماکرو و فرم، کلیت طراحی‌های گذشته حفظ شده است با این حال در عناصر میکرو ادغام نقش مایه‌های گذشته و نمادهای دین جدید قابل ملاحظه است، که در مجموع هویت خاص ایرانی - اسلامی به اشیای خانگی این دوران می‌بخشد.

فرای معتقد است "پس از سلجوقیان الگوی اسلام سنی عنجد گشت و میراث سامانیان و غزنویان در سراسر جهان اسلام پراکنده و بخش گردید و از آن پس در این فنون تنها تفنن و سرگرمی پدیدار شدند آفرینش‌ها و شاخه‌های نو" (همان: ۲۳۱). از طرفی "هاتری کریب با تاکید بر امر ایرانی و تلقی ویژه آن، تداوم در قلمرو اندیشه را مورد بررسی قرار داده و می‌گوید که مقررات اندیشه فلسفی دوره باستانی ایران در دوره اسلامی تداوم پیدا کرده است" (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۷۵). در نتیجه وفور تقسیم‌بندی‌های ساسانی از جمله نمادهای نور، شیر، پرندگان و نمادهای جهت تقدس آب که در ظروف این دوران دیده می‌شود قابل توجیه می‌باشد.

به قول استوارت هال "هویت یک پدیده نیست که از پیش شکل

مبانی گذشتہ با نمودی اسلامی دوباره جنود گر شده و ارتق یافته اند. بسیاری از نمادهای مورد تقدس دین کهن مورد توجه دین اسلام نیز قرار داشت. از جمله می توان به تمادپردازی نور برای خرد و نیز تقدس آب و پاکیزگی و طهارت اشاره نمود. همچنین توجه ویژه به نقش برداری برندگان جالب توجه است که بدلیل قابلیت پرواز به نوعی تمادپردازی معنوی را در خود دارد.

گرفته شده باشد بلکه هویت چیزی است که هر لحظه در زمان تولید می شود و هرگز کامل نمی گردد" (نقل در آسا برگز، ۱۳۷۹: ۴۷). مخصوصا در این دوران توجه هماهنگ و هج زمان به سدسک کهن و نمادهای ایرانی از یک سو و ایجاد مذهبی و مراسم اسلامی از سوی دیگر و وجود افراد خاصی چون وزیران دانشمند و دانشمندان به نام، باعث به تولد و گسترش فرهنگ و هویت ایرانی بوده است و نقش

فهرست منابع:

- آیینهاوزن، ریچارد (۱۳۷۹)، اوجهای درختان هنر ایران، رویین پاکباز و هرمز عبدالهی، نشر آناه، تهران.
- احمد پنده، سید ابوتراب (۱۳۸۰)، زیبایی شناسی نقوش سفال نیشابور، هنرنامه شماره دوازدهم، دانشگاه هنر، تهران.
- آریان پور، امیر حسین (۱۳۸۰)، جامعه شناسی هنر، نشر گستره، چاپ چهارم، تهران.
- آزاد، یعقوب (۱۳۷۴)، تاریخچه زیبایی شناسی و نقد هنر، انتشارات مولی، تهران.
- آسا برگز، آرتور (۱۳۷۹)، نقد فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیر زاده، انتشارات باز، تهران.
- شپولر، یرتولد (۱۳۶۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، جلد اول، ترجمه جواد غلامپوری، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران.
- شپولر، یرتولد (۱۳۶۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، جلد دوم، ترجمه مریم میر احمدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- اقتدر مهاجر، کامران (۱۳۷۹)، حضور نمادها در هنرهای سنتی ایران، نامه هنر شماره ۸، دانشگاه هنر تهران، ۵۱-۶۳.
- افشوری، مهران (۱۳۸۴)، آیین جواتمردی (صرام و سلوک طبقه عامه ایران)، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۷)، تاریخ ایران بعد از اسلام، صدی معاصر.
- البهنسی، عقیق (۱۳۸۷)، هنر اسلامی، مترجم محمود پور آقاسی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی چاپ دوم، تهران.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۴)، تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۶۹)، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- بورهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، تهران.
- پاول، هنر (۱۳۴۹)، تاریخ مختصر ایران از آغاز اسلام تا آغاز سلطنت پهلوی، مترجم شوق رضا زاده، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- پژوهش و فناوری دانشکده آزاد اسلامی، تهران: ۳۴۹-۳۶۵.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۳)، عصر اساطیری تاریخ ایران، به اهتمام سیروس ایزدی، انتشارات هیروم، چاپ دوم، تهران.
- تقی، شکوفه (۱۳۹۰)، نمادهای جانوری بخت در شاهنامه، مقالات کنفرانس بین المللی هزارمین سال سرایش شاهنامه فردوسی، مودت چندید، فریدون (۱۳۸۸)، ویرایشی بر شاهنامه فردوسی، نشر بلخ، تهران.
- خلج امیر حسینی، مرتضی (۱۳۸۷)، رموز نهفته در هنر نگارگری، انتشارات یان، تهران.
- زین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳)، ایران در اوایل عهد اسلامی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- سایت دائره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۸/۱/۱۵)، <http://www.ogie.org.ir/shavad.asp?id=130&avaid=388>
- شعانی، رضا (۱۳۵۴)، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، نشر قرمسی، چاپ دوم تهران.
- ضابطیایی، جواد (۱۳۷۵)، خواجه نظام الصک، طرح نو، تهران.
- علی، امیر (۱۳۷۰)، تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدر پور، انتشارات ستان قدس رضوی، مشهد.
- فری، ریچارد (۱۳۶۳)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، چاپ دوم، تهران.
- _____ (۱۳۶۵)، بخارا، ترجمه محمود محمودی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- قفهیی، علی اصغر (۱۳۶۰)، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، انتشارات صبا، تهران.
- قزائی، امان... (۱۳۷۷)، هنر عوام و هنر خوآن، هنرنامه شماره ۱، دانشگاه هنر تهران، ۲۰-۲۸.
- گرایار، اونگ (۱۳۷۹)، شکل گیری هنر اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- سنز، ادا (۱۳۶۲)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا دکاوتی قزائلو، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- مدد پور، محمد (۱۳۸۷)، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، چاپ و نشر بین الملل، تهران.
- صمتحن، حسینعی (۱۳۸۳)، نهضت شوییه جنیس ملی ایرانی در برابر خلافت اموی و عباسی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- ناجی، محمد رضا (۱۳۸۰)، سامانیان دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
- نصیری، علی (۱۳۸۶)، قرآن و هنر، انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، تهران.
- هورتر، کریس (۱۳۸۱)، آشنایی با فلسفه هنر، مترجم شهاب الدین قندهاری، انتشارات سراج، تهران.

Brend, Barbara.(1995) Islamic art.British museum press, London.

Brend, Robert Hillen.(1999) Islamic art & architecture.Thames & Hudson press, London.

Fhinghausen, Richard.& Oleg Grabar.(1994) the art & architecture of Islam.Yale university press.

Talbot Rice , David.(1996) Islamic art.Thames & Hudson press, London.